

حوزه : راديو و تلويزيون  
تاريخ : ۱۲:۰۶ - ۸۸/۰۴/۰۳

گروه : انرژي اتمي  
شماره : ۸۸۰۴۰۳۰۴۸۹



خبرگزاری فارس

## متن کامل خطبه هاي نماز جمعه تاريخي تهران (29/3/88) به امامت رهبر فرزانه انقلاب



خبرگزاری فارس: جمعه گذشته، کشور شاهد برگزاری عظیم ترین نماز جمعه تاریخ انقلاب به امامت حضرت آیت الله خامنه ای بود. ایشان در سخنان ارزشمند خود در اجتماع گسترده آحاد مردم به تبیین شرایط کشور و مسئله مهم انتخابات پرداختند. باتوجه به اهمیت سخنان معظم له، متن کامل آن تقدیم خوانندگان می شود.

جمعه گذشته، کشور شاهد برگزاری عظیم ترین نماز جمعه تاریخ انقلاب به امامت حضرت آیت الله خامنه ای بود. رهبر معظم انقلاب در سخنان ارزشمند خود در اجتماع گسترده آحاد مردم به تبیین شرایط کشور و مسئله مهم انتخابات پرداختند. بی شک گوش سپردن به رهنمودهای ایشان- چه از سوی نخبگان و چه مردم- تنها راه خنثی کردن توطئه های دشمنان قسم خورده این انقلاب و نظام است. باتوجه به اهمیت سخنان معظم له، متن کامل دو خطبه نماز جمعه هفته گذشته تقدیم خوانندگان می شود. □ خطبه اول بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين نحمده و نستعينه و نتوكل عليه و نستغفره و نصلي و نسلم علي حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه حافظ سره و مبلغ رسالاته بشير رحمته و نذير نعمته سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفي محمد و علي اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداه المهديين المعصومين سيما بقيه الله في العالمين و السلام علي ائمه المسلمين و حماه المستضعفين و هداه المومنين. قال الحكيم في كتابه: «هو الذي انزل السكينة في قلوب المومنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم ولله جنود السماوات و الارض و كان الله عليما حكيما» (1) همه برادران و خواهران عزيز را توصيه مي كنم و دعوت مي كنم به رعايت تقواي الهي و توجه به خدای متعال و دل دادن به رحمت و تفضل الهي در همه حال. اگر ما تقواي خدا را پيشه كنيم، اگر در همه حال دل را به خدا متوجه كنيم، حضور خود در مقابل ذات مقدس پروردگار را از ياد نبريم- كه معنای حقيقي تقوا همین است- يقيناً بركات الهي، رحمت الهي، كمك الهي شامل حال ما خواهد شد. در نماز جمعه هر هفته دل هاي نمازگزار متوجه به خداوند متعال بايد اين حقيقت را، اين معنای شگفت انگيز را با خود مرور كند؛ تقوا را به خود تلقين كند. اين روزها از يك طرف به ايام ولادت باسعادت صديقه كبرا فاطمه زهرا (سلام الله عليها) متصل و مربوط است، و از يك طرف به ايام مغتتم و ذي قيمت ماه رجب؛ وقت ذكر است، وقت دعاست، وقت توجه است. اين آيه اي كه من تلاوت كردم، به مومنان بشارت مي دهد و نزول سكينه الهي را يادآوري مي كند. سكينه يعني آرامش در مقابل تلاطم هاي گوناگون روي و اجتماعي. اين آيه مربوط به حديبيه است. در ماجرای حرکت پیامبر اکرم از مدینه به سمت مکه با چندصد نفر از ياران و اصحاب خود به قصد عمره- در سال ششم از هجرت- حوادثي پيش آمد كه از چند جهت موجب طوفاني شدن دل هاي مومنان بود. از يك طرف، دشمنان با نيروي مجهزي آنها را محاصره كرده بودند؛ اينها از مدینه دور بودند- حديبيه نزديك مکه است- نيروهاي دشمن متكي به عقبه مکه بودند، نيرو داشتند، سلاح داشتند، جمعيت زياد داشتند؛ اين يك طرف قضيه بود كه موجب اضطراب مي

شد، موجب تشویش برای بسیاری از مومنین می شد؛ از طرف دیگر، پیغمبر اکرم بر طبق آن سیاست عظیم مکتوم الهی- که بعد برای همه آشکار شد- در مقابل کفاری که آمده بودند در مقابل او، در مواردی کوتاه آمد؛ گفتند اسم «رحمان و رحیم» را، «بسم الله» را، از این نوشته حذف کنید، پیغمبر قبول کرد؛ و چند مسئله از این قبیل پیش آمد. این هم دل هایی را مشوش کرد، مضطرب کرد، به تردید انداخت. در یک چنین مواردی که این اضطراب های گوناگون- چه به لحاظ مسائل شخصی، چه به لحاظ مسائل اجتماعی- برای مومنین به اسلام پیش می آید، اینجا باید منتظر سکینه الهی بود؛ آن وقت می فرماید: «هو الذي انزل السكينة في قلوب المومنين»؛ خدا دل ها را قرص کرد، آرامش به آنها داد، آنها را از تلاطم های روحی برحذر و برکنار داشت و مسلمان ها از لحاظ روانی، به خاطر این آرامشی که خدا به آنها داد، آسوده شدند. آن وقت نتیجه این سکینه الهی و آرامش روحی این می شود که: «لizardادوا ایمانا مع ایمانهم»؛ آن وقت بذر ایمان در دل آنها عمیق تر می روید، نور ایمان دل آنها را بیشتر روشن می کند؛ ایمان آنها عمیق تر می شود. این است که برای یک مجموعه مسلمان، مجموعه مومن مهم است که به خدا حسن ظن داشته باشد، بداند که خدا کمک کار اوست، بداند که خدا پشت سر رهپویان راه حق است. وقتی دل ها قرص شد، گام ها هم محکم می شود؛ وقتی گام ها استوار شد، راه به آسانی طی می شود، به هدف نزدیک می شود. همیشه دشمنان اسلام خواسته اند دل مسلمانان را مشوش و مضطرب کنند. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی پیش آمده است، قبل از اسلام هم در مورد حرکت های عظیم جهادی پیامبران قبل از نبی مکرم، مومنینی که توانستند ایمان خودشان را استوار نگه دارند، آرامش روحی پیدا کردند. این آرامش روحی حرکات آنها را در اختیار جهت ایمانی قرار داد؛ مشوش نشدند، مضطرب نشدند، راه را گم نکردند؛ چون در حال تشویش و اضطراب، پیدا کردن راه درست دشوار می شود. انسانی که از آرامش روحی برخوردار است، درست فکر می کند، درست تصمیم می گیرد، درست حرکت می کند. اینها نشانه های رحمت الهی است. امروز جامعه انقلابی ما، مردم مومن ما، نیاز به این دارند که این آرامش را، این سکینه را، این طمانینه و وقار را در خودشان هر چه بیشتر به وجود بیاورند. «الابذکرالله تطمئن القلوب» (2) یاد خداست که دل ها را در ماجراهای طوفانی دنیا و زندگی حفظ می کند. یاد خدا را مغتنم بشمارید. ایام ماه رجب- همان طور که گفتیم- نزدیک است. دعاهای ماه رجب یک دریایی از معرفت است. در دعا فقط این نیست که انسان دل را به خدا نزدیک می کند؛ این هست، فراگیری هم هست. در دعا هم تعلیم است، هم تزکیه هست. دعا هم ذهن را- این دعاهای ماثور از ائمه (علیهم السلام)- روشن می کند، حقایقی را، معارفی را به ما می آموزد که در زندگی به آنها نیاز داریم، و هم دل را متوجه به خدا می کند. ذکر الهی را خیلی باید مغتنم بشمرید. همین نماز جمعه شما مصداق ذکر الهی است. «فاسعوا الی ذکرالله» (3) در اینجا آنچه بر دل شما، بر زبان شما، بر حرکات شما باید غالب باشد، یاد خداست. دل به یاد خدا، زبان متذکر به نام مقدس پروردگار، حرکات دست و پا و جسم هم حرکاتی در جهت یاد پروردگار و اطاعت اوامر الهی. این چیزی که مورد نیاز یکایک ماست، همین است. من به شما عرض بکنم از اول انقلاب تا امروز- که سی سال می گذرد- در حوادث گوناگون، حوادثی که بعضی از آنها می توانست یک ملت را، یک نظام را از جا بکند، می توانست یک کشور را دچار دریایی طوفانی ای بکند که ندانند چه می کنند و چه باید بکنند- همین طور که می بینیم در بعضی از کشورهای همسایه ما- برای این کشور پیش آمد، اما این کشتی استوار که متکی به ایمان های شما، به اراده شما، به دل نورانی شما به ذکر خدا متکی بود، در این طوفان های گوناگون اندک اضطرابی پیدا نکرد. این نشانه رحمت الهی است؛ این نشانه تفضلات خداوند به شما ملت عزیز است. مشمول تفضلات الهی شدن یک مسئله است، حفظ تفضلات و رحمت الهی یک مسئله دیگر است. مبدا به خودمان مغرور بشویم؛ مبدا وقتی دست کمک پروردگار را که می بینیم، بگوئیم: «ما که مورد توجه پروردگار هستیم» و از وظائفمان غفلت کنیم؛ مبدا یاد خدا از دل ها برود. بخصوص به شما جوان های عزیز در سراسر کشور و هر جا که هستید عرض می کنم: جوان ها! این دل های پاک را، این دل های نورانی را، این دل های نرم را مغتنم بشمرید؛ آنها را با یاد پروردگار سیراب کنید؛ آنها را از ذکر خدا لبریز کنید، که خدای متعال توجهاتش را و رحمتش را بر این ملت مستدام خواهد کرد و شما بدانید- من امروز عرض می کنم- آنجوری که من دارم می بینم این ملت را و آنجوری که مطلعم از تاریخ گذشتگان

خودمان در این کشور و در دیگر کشورها، من مطمئنم و یقین دارم این ملت به توفیق الهی، به حول و قوه الهی، به تمام اهداف بلند خود دست خواهد یافت. این فضای معنوی جامعه را قدر بدانید، مبدا هیجان های سیاسی ما را از خدا غافل کند؛ مبدا بگومگوهای گوناگونی که در یک کشور پیش می آید- که در میان یک ملت آزاد یک امر طبیعی است- ما را غافل کند، ندانیم به کجا می خواهیم برویم، ندانیم چه جور می خواهیم برویم. این انقلاب از اول بر پایه ایمان های پاک و صادق استوار شد و ادامه این راه هم بر همین پایه استوار قرار خواهد داشت. با وجود این همه عوامل انحراف، بحمدالله ملت ما مومند، خدادوستند، دین شناسند، به معنویت علاقه مندند، امروز جوانها در دنیائی که مادیگری بر آن حاکم است، غرق در حیرت و آشفتگی اند، دوری از معنویت آنها را دچار آشفتگی کرده است؛ نمی دانند چه بکنند؛ متفکرانشان هم مانده اند؛ و بعضی از آنها فهمیده اند که راه اصلاح کارهایشان مراجعه به معنویت است. ولی چه جور میتوانند معنویت از دست رفته را، معنویتی را که دو قرن است در کشورهای غربی دائماً با وسائل گوناگون کوییده شده است، میخوانند برگردانند؛ کار آسانی نیست. اما ملت ما اینجور نیست. ملت ما در این مجرای عظیم معنویت حرکت کرد، با معنویت توانست یک انقلاب با این عظمت را به پیروزی برساند، با معنویت توانست در این دنیای مادی یک نظام اسلامی را که متکی به معنویت است، برافرازد، پایه های آن را محکم کند و آن را در مقابل تهاجمها و طوفانهای گوناگون حفظ کند. ملت ما یک جنگ هشت ساله تحمیلی را با تکیه بر همین معنویت توانست با سرافرازی و پیروزی طی کند. امروز هم جوانهای ما اکثراً جوانهای مومن و معنوی هستند. حتی آن کسانی که بظاهر گرایش معنوی در سیمای آنها نیست، انسان در مواقع حساس می بیند دلهایشان متوجه خداست. بارها من عرض کرده ام که در این شبهای قدر، در این روزهای اعتکاف، در این مراسم نماز عیدفطر، چه افرادی، چه اشخاصی که انسان گمان نمی کند، دلهایشان را متوجه خدا میکنند. پروردگارا! تو را به قرآن سوگند میدهم، تو را به ائمه هدی (علیهم السلام) و نبی مکرم سوگند می دهیم دلهای ما را از معنویت بیش از پیش انباشته بفرما. پروردگارا! دست ما را از قرآن و از اهل بیت کوتاه مکن. پروردگارا! تقوا و ایمان و سکینه الهی را بر دلهای این ملت بزرگ نازل کن. پروردگارا! این ملت مقتدر و مظلوم را در مقابل دشمنانش به پیروزی برسان. پروردگارا! دلهای ما را متوجه به خود نگه دار. پروردگارا! آنچه میگوئیم، آنچه میکنیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ و از ما قبول بفرما. پروردگارا! سلام ما را به پیشگاه ولی ات و حجتت و عبد صالحت حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) برسان؛ دعای آن بزرگوار را در حق ما مستجاب بفرما. بسم الله الرحمن الرحيم والعصر. ان الانسان لفي خسر. الاالذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر. (4) خطبه دوم بسم الله الرحمن الرحيم والحمدلله رب العالمین و الصلاه و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی اله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداه المهدیین المعصومین سیما علی امیرالمومنین و حبیبته فاطمه الزهراء و الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنه و علی بن الحسین و محمدبن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمدبن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المهدی صلواتک علیهم اجمعین و صل علی ائمه المسلمین و حماه المستضعفین و هداه المومنین. اوصیکم عبادالله بتقوی الله. در این خطبه هم من همه برادران و خواهران عزیز را که در نماز شرکت دارند، دعوت میکنم به تقوا، به پرهیزگاری. مسئله ای که در این خطبه مطرح میکنم، مسئله انتخابات است که فعلاً مسئله روز در کشور ماست. سه مطلب را خطاب به سه دسته عرض خواهم کرد. یک مطلب خطاب به عموم ملت عزیزمان در هر نقطه ای از کشور که هستند، میخواهم عرض بکنم. یک مطلب را خطاب به نخبگان سیاسی، نامزدهای ریاست جمهوری، فعالان و دست اندرکاران قضایای انتخابات میخواهم عرض بکنم. یک مطلب هم خطاب به سران استکبار، بعضی از دولتهای غربی و سردمداران رسانه هائی که آنها اداره میکنند، خواهم گفت. درباره مطلب اول که خطاب به شما مردم عزیز است، حرف من عبارت است از یک دنیا تجلیل و تعظیم و تشکر. بنده دوست ندارم در سخنرانی ها و خطابه ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آنها را بگویم؛ اما در این قضیه انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض می کنم که هرچه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات 22 خرداد یک نمایش عظیمی بود از

احساس مسئولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکت جوی مردم در اداره کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسی های گوناگون- چه دموکراسی های ظاهری و دروغین و چه دموکراسی هایی که واقعا به آراء مردم مراجعه می کنند- نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه پرسی سال 85- فروردین 85- هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعه گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود 58 درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارک ولیعصر را پشت سر حوادثی با این عظمت می بیند. این نشانه توجه خداست. لازم میدانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعا جا دارد. نسل جوان ما بخصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کوره داغ انقلاب دلها را به هیجان می آورد، بعد هم دوره جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست؛ درعین حال این تعهد، این احساس مسئولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست. البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رای هست، عده ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عده دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ اینها هست، طبیعی هم هست، لیکن يك تعهد جمعی را انسان در بین همه این آحاد، با اختلاف آراء شان، احساس می کند؛ يك تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنهار، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند. این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما يك زلزله سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم يك جشن واقعی بود؛ يك جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این يك جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی يك نفس تازه کردن، يك حرکت از نو، يك فرصت بزرگ. این انتخابات، مردمسالاری دینی را به رخ همه مردم عالم کشید. همه کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردمسالاری دینی یعنی چه. این يك راه سوم است. در مقابل دیکتاتوری ها و نظام های مستبد از يك طرف و دموکراسی های دور از معنویت و دین از يك طرف دیگر، این مردمسالاری دینی است؛ این است که دلهاي مردم را مجذوب می کند و آنها را به وسط صحنه می کشاند. این، امتحان خودش را داد. این يك نکته درباره این انتخابات. نکته دوم در باب این انتخابات این است که انتخابات 22 خرداد نشان داد که مردم، با اعتماد و با امید و با شادابی ملی در این کشور زندگی می کنند. این جواب خیلی از حرفهایی است که دشمنان شما در تبلیغات مغرضانه خودشان بر زبان می آورند. اگر مردم در کشور به آینده امیدوار نباشند، در انتخابات شرکت نمی کنند؛ اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند، در انتخابات شرکت نمی کنند؛ اگر احساس آزادی نکنند، به انتخابات روی خوش نشان نمی دهند. اعتماد به نظام جمهوری اسلامی در این انتخابات آشکار شد و من بعد عرض خواهم کرد که دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته اند؛ دشمنان ملت ایران می خواهند همین اعتماد را درهم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایه جمهوری اسلامی است، می خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ می خواهند ایجاد شک کنند، ایجاد تردید کنند درباره این انتخابات و این اعتمادی را که مردم کردند، تا این اعتماد را متزلزل کنند. دشمنان ملت ایران می دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را می خواهند؛ هدف دشمن این است. می خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در يك چنین حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را می خواهد. این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هي دارند دائماً به گوشها می

خوانند، تکرار می کنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. می خواستند زمینه را آماده کنند. من آن وقت به دوستان خوبان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن می خواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگویید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش، با تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن می خواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. این هم يك نکته. نکته سوم، مسئله رقابتها بود. این رقابتها کاملاً رقابتهاي آزاد، جدي و شفاف بين نامزدهاي مختلف بود؛ همه دیدند. به قدری این رقابتها و این گفت و گوها و این مناظره ها شفاف و صریح بود، که عده ای به آن معترض شدند - حالاً عرض خواهم کرد- حق هم تا حدودی با آنهاست. التهاباتی هم به وجود آورد که الآن هم هنوز آثارش را داریم مشاهده می کنیم. من به شما عرض بکنم، فرض ما این بود و هست که این رقابتی که وجود دارد بین چهار نامزد انتخابات، این رقابت میان افراد و جریانهای متعلق به نظام اسلامی است. اینی که دشمنان سعی می کنند در رسانه های گوناگون - که غالباً هم این رسانه ها مال این صهیونیستهای خیث و رذل است- اینجور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر، این جور نبود؛ آنها غلط می کنند این حرف را می زنند؛ این واقعیت ندارد. این چهار نفری که وارد عرصه این انتخابات جدي شدند، همه شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس جمهور کشور ماست؛ رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست وزیر هشت سال در دوران ریاست جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرمانده سپاه در سالهای متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رئیس قوه مقننه کشور بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر نظامند؛ اینها همه شان متعلق به نظامند. البته اختلاف نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهت گیری های گوناگون سیاسی با هم تفاوتها متعددی دارند؛ اما همه شان مال نظامند؛ چهار نفر از عناصر نظامند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیس خیث و دیگران می خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابسته به نظام؛ متعلق به نظام، و همه شان هم با این سوابق. همه شان را من از نزدیک می شناسم، افکارشان را می دانم، سلاتقشان را می دانم، خصوصیات رفتاریشان را می دانم، با همه شان از نزدیک من کار کردم. البته بنده همه دیدگاه های این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهايشان و عملکردهايشان از نظر من بدون شك قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسبتر از بعضی دیگر می دانم؛ اما انتخاب به عهده مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیونها این طرف، میلیونها آن طرف. بنابراین، مسئله، مسئله درونی نظام است. اینی که بخواهند صورت مسئله را تغییر بدهند، این صددرصد مغرضانه و خبثت آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضدانقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهارچوب نظام است. آن مردمی هم که به این چهار نفر رای دادند، اینها هم با اعتقاد به نظام رای دادند، تشخیص دادند این برای کشور بهتر است، به نظام پایبندی اش بیشتر است، به او رای دادند. آن کسی را که صالحتر برای خدمت به نظام می دانستند، به او رای دادند؛ مردم هم در چهارچوب نظام عمل کردند. اما این رقابتها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛ ابتکار جالبی بود؛ خیلی صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدي بود. این مناظره ها تو دهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ می کردند که این رقابتها نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر، واقعیت دارد؛ جدي در مقابل هم ایستاده اند، با هم بحث می کنند، با هم استدلال می کنند. بنابراین مناظره ها و گفت و گوها بسیار از این جهت مثبت بود. البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت، که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد. آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، يك سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگوئی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخگوئی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروه ها بدون

ابهام، بدون پیچیده گوئی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاستهایشان چیست، برنامه هایشان چیست، پابندی هایشان کدام است، تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همه نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رای مردم ناشی از همین دقتها و تاملات خواهد بود. رای مردم زینتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم میخواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصاب دوره های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم، مشارکت داده شد، به عرصه آمد و آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره ها به سطح خیابانها هم کشیده شد، داخل خانه ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالامیبرد. اینجور مباحثات و گفتگوها ذهنها را پرورش می دهد، قدرت انتخاب را بالامی برد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است. البته همین جا من عرض بکنم که این گفتگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آن وقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود و در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همین طور کش پیدا کند، ادامه پیدا کند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه. البته خیلی خوب است که این جور مناظره هایی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند- البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد- و افراد، مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه يك انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهنها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد. اگر این جور مناظره ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمی کند؛ همه حرفها در طول زمان گفته خواهد شد، شنیده خواهد شد؛ نقدها، پاسخها، جوابها. اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود؛ اما عیوبی هم داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان میدید که در این مناظره ها جنبه منطقی مناظره ضعیف میشد؛ جنبه احساساتی و عصبی پیدا می کرد؛ جنبه تخریبی غلبه پیدا می کرد؛ سیاه نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره ها دیده شد؛ سیاه نمایی دوره های گذشته هم در این مناظره ها مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی انصافیهای احيانا دیده شد؛ هم بی انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت، و هم بی انصافی نسبت به دولتهای گذشته و دوران سی ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابلای حرفهای خوب، حرفهایی هم که خوب نبود، گفته شد. بنده هم مثل بقیه آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از اینکه نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتواند قدرت انتخاب خود را بالابرنند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد، متاثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخشهای معیوب، آن تعریضها، آن تصریحها، التهاب آور و نگران کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود. بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متاسفانه مشترك بودند. از يك طرف صریحترین اهانتها به رئیس جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنانی ها را برای من می آوردند و من میدیدم یا گاهی می شنیدم؛ تهمتیهایی زدند، حرفهایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ گوئی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می بینیم میدانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت های خجالت آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند. این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامه درخشان سی ساله انقلاب کم رنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیتهای این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه

این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچوقت رسم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالدار مورد بستگان و کسان، هرکس هر ادعائی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمی شود اینها را رسانه ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمی شود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی اینجور حرفها مطرح می شود، تلقی های نادرست در جامعه به وجود می آید، جوانها چیز دیگری خیال می کنند، چیز دیگری می فهمند. آقای هاشمی را همه می شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیت های بعد از انقلاب نیست؛ من از سال 6331- یعنی 25 سال قبل- ایشان را از نزدیک می شناسم. آقای هاشمی از اصلی ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیر قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از موثرترین شخصیت های جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می کرد و به مبارزین می داد. اینها را جوانها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسئولیتهای زیادی داشت: هشت سال رئیس جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسئولیتهای دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب يك اندوخته ای درست کرده باشد. اینها يك حقایق است؛ اینها را باید دانست. در حساسترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده. من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف نظر داریم، که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس جمهور از همان انتخاب سال 48 تا امروز اختلاف نظر بود، الان هم هست؛ هم در زمینه مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینه نحوه اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس جمهور به نظر بنده نزدیکتر است. در مورد آقای ناطق نوری هم همین جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیت های خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمت زیادی کرده و در دلبستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست. مناظره های زنده تلویزیونی خوب است؛ اما این آسیبها باید برطرف بشود. من همان وقت- بعد از مناظره- به آقای رئیس جمهور هم تذکر دادم؛ چون می دانستم ایشان ترتیب اثر می دهند. در مورد مبارزه با فساد مالی، موضع نظام يك موضع روشنی است. در زمینه مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام يك موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه ای که هست، مبارزه کرد. من می خواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامه هشت ماده ای را چند سال قبل خطاب به روسای محترم سه قوه نمی نوشتم و اینقدر روی آن تاکید نمی کردم. چرا، هست؛ اما می خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالمترین نظامهای سیاسی و اجتماعی در دنیاست. اینکه ما بیائیم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسئولین را بی جهت در زمینه فساد زیر سوال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوه مجریه، هم در قوه قضائیه، هم در قوه مقننه. همه موظفند با این مسئله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما اینکه بسیاری از کشورهای دنیا- همین کشورهای غربی که اینقدر دم از مبارزه با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها می زنند- تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همه دنیا دانستند. این يك گوشه هائی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست. این بخش مربوط به خطاب مردم را من جمع بندی کنم. عزیزان من! ملت ایران! 22 خرداد يك حماسه بود. این حماسه، تاریخی شد، جهانی شد. اگر چه بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، این پیروزی حتمی را، به يك پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتی بعضی خواستند این را به يك شکست ملی تبدیل کنند! خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند. خواستند این کارها را بکنند؛ اما به نام شما ثبت شد. نمی

شود آن را دستکاري کرد. رقابتها تمام شد. همه کساني که به اين چهار نامزد رای دادند، ماجورند؛ ان شاءالله اجر الهي دارند. همه شان در درون جبهه انقلابند، متعلق به نظامند؛ اگر با قصد قربت رای داده باشند، عبادت هم کرده اند. خط انقلاب، چهل ميليون رای دارد؛ نه بيست و چهارونيم ميليون که رای به رئيس جمهور منتخب است. چهل ميليون به خط انقلاب رای دادند. مردم اطمینان دارند؛ اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. ساز و کارهاي قانوني انتخابات در کشور ما اجازه تقلب نمی دهد. این را هر کسی که دست اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق می کند؛ آن هم در حد یازده ميليون تفاوت! يك وقت اختلاف بين دو رای، صد هزار است، پانصد هزار است، يك ميليون است، حالاممكن است آدم بگوید يك جوري تقلب کردند، جابه جا کردند؛ اما یازده ميليون را چه جور می شود تقلب کرد! در عين حال بنده این را گفتم، شوراي محترم نگهبان هم همین را قبول دارند که اگر کساني شبهه دارند و مستنداتي ارائه می دهند، باید حتما رسیدگی بشود؛ البته از مجاري قانوني؛ رسیدگی فقط از مجاري قانوني. بنده زیر بار بدعتهاي غيرقانوني نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوبهاي قانوني شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتي ديگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتي بعضي برنده اند، بعضي برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتي ديگر مورد اعتماد قرارنخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهاي درست، بر طبق قانون. اگر واقعا شبهه ای هست، از راه هاي قانوني پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالي در قانون نیست. همانطور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شوراي محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوقها را باز شماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند. بنابراین، هیچ مشکلي در این جهت وجود ندارد. این راجع به انتخابات و خطاب به شما مردم عزیز. اما خطاب دوم من، خطاب به سياسيون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جريانات است. من می خواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز يك لحظه حساس تاريخي براي کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنيا، نگاه کنید به وضع خاورميانه، نگاه کنید به وضع اقتصادي عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسايه ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطه حساسي از تاريخ قرار گرفته ایم. همه ما وظیفه داریم که در این مرحله تاريخي هوشيار باشيم، دقيق باشيم، مواظب باشيم اشتباه نکنيم. در این قضيه انتخابات، مردم حقا و انصافا به وظیفه خودشان عمل کردند. وظیفه شان این بود که بیايند پای صندوقهاي رای، که به بهترین وجهي این وظیفه اداء شد؛ اما ما و شما وظائف سنگين تري داریم. آن کساني که به يك نحوي يك نوع مرجعيتي در افکار مردم دارند؛ از این سياسيون و روساي احزاب و کارگردانان جريانات سياسي، و يك عده ای از اينها حرف شنوي دارند، اينها خيلي باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خيلي باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطي گري کنند، دامنه این افراطي گري در بدنه مردم به جاهاي بسيار حساس و خطرناكي خواهد رسيد که گاهي خود آنها ديگر نمی توانند آن را جمع کنند، که ما نمونه هايش را ديده ایم. افراط وقتي در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطي به افراطي گري ديگران دامن ميزند. اگر نخبگان سياسي بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا براي اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خونها و خشونتها و هرج و مرج ها، آنهايند. من به همه این آقایان، این دوستان قديمي، این برادران توصیه می کنم بر خودتان مسلط باشيد؛ سعه صدر داشته باشيد؛ دستهاي دشمن را ببينيد؛ گرگ هاي گرسنه کمين کرده را که امروز ديگر نقاب ديپلماسي را يواش يواش دارند از چهره هايشان برميدارند و چهره حقيقي خودشان را نشان می دهند، ببينيد؛ از اينها غفلت نکنيد. امروز- حالاعرض خواهم کرد- ديپلماتهاي برجسته چند کشور غربي که تا حالا با تعارفات ديپلماتيك با ما حرف می زدند، نقاب از چهره برداشتند! چهره واقعي خودشان را دارند نشان می دهند؛ «قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفي صدورهم اکبر» (5) دشمني هاي خودشان با نظام اسلامي را دارند نشان می دهند! از همه هم خيبت تر دولت انگليس. من به این برادران عرض می کنم، به مسئوليت پيش خدای متعال فکر کنید: پيش خدا مسئوليد، از شما سوال خواهد شد. آخرين وصايای امام را به ياد بياوريد؛ قانون فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانيد.



انتخابات اصلا براي چيست؟ انتخابات براي اين است که همه اختلافها سرصندوق راي حل و فصل بشود. بايد در صندوقهاي راي معلوم شود که مردم چي مي خواهند، چي نمي خواهند؛ نه در کف خيابانها. اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتي آنهايي که راي نياورند، اردوکشي خياباني بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خيابان؛ بعد آنهايي که راي آورده اند هم، در جواب آنها، اردوکشي کنند، بکشند به خيابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصير مردم چيست؟ اين مردمي که خيابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگي آنهاست، اينها چه گناهي کردند؟ که ما مي خواهيم طرفدارهاي خودمان را به رخ آنها بکشيم؛ آن طرف يك جور، اين طرف يك جور. براي نفوذي تروريست- آن کسي که مي خواهد ضربه تروريستي بزند- مسئله او مسئله سياسي نيست؛ براي او چه چيزي بهتر از پنهان شدن درميان اين مردم؛ مردمي که مي خواهند راهپيمايي کنند يا تجمع کنند. اگر اين تجمعات پوششي براي او درست کند، آنوقت مسئوليتش با کيست؟ الان همين چند نغري که در اين قضاي کشته شدند؛ از مردم عادي، از بسيج، جواب اينها را کي بناست بدهد؟ واکنشهايي که به اينها نشان داده خواهد شد- تو خيابان از شلوغي استفاده کنند، بسيج را ترور کنند، عضو نيروي انتظامي را ترور کنند- که بالاخره واکنشي به وجود خواهد آورد، واکنش احساسسي خواهد بود. محاسبه اين واکنشها با کيست؟ انسان دلش خون مي-شود از بعضي از اين قضاي؛ برون توي کوي دانشگاه، جوانها، دانشجوها را- آن هم دانشجوهي مومن و حزب اللهی را، نه آن شلوغ کن ها را- مورد تهاجم قرار بدهند، آنوقت شعار رهبري هم بدهند! دل انسان خون ميشود از اين حوادث. زورآزمائي خياباني بعد از انتخابات کار درستي نيست، بلکه به چالش کشيدن اصل انتخابات و اصل مردم سالاري است. من از همه ميخواهم به اين روش خاتمه بدهند. اين روش، روش درستي نيست. اگر خاتمه ندهند، آنوقت مسئوليت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده آنهاست. اين تصور هم غلط است که بعضي خيال کنند با حرکات خياباني، يك اهرم فشاري عليه نظام درست مي کنند و مسئولين نظام را مجبور مي کنند، وادار مي کنند تا به عنوان مصلحت، زيربار تحميلات آنها بروند. نه، اين هم غلط است. اولاتن دادن به مطالبات غيرقانوني، زيرفشار، خود اين، شروع ديکتاتوري است. اين اشتباه محاسبه است؛ اين محاسبه غلطي است. عواقبي هم اگر پيدا کند، عواقبش مستقيما متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت. من از همه اين دوستان، اين برادران مي خواهم بنا را بر برادري بگذاريد، بنا را بر تفاهم بگذاريد، قانون را رعايت کنيد، راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است. از اين راه برويد. و اميدوارم خدای متعال توفيق بدهد که همه از اين راه بروند. خب، همه پيشرفت کشور را مي خواهند. جشن پيروي چهل ميليوني را اين برادران گرامي بدارند و نگذارند دشمن اين جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن مي خواهد خراب کند. البته اگر کساني بخواهند راه ديگري را انتخاب کنند، آنوقت بنده دوباره خواهم آمد وبا مردم صريحتر از اين صحبت خواهم کرد. و اما خطاب سوم، خطاب سوم به سران استکبار و سران رسانه هاي استکباري است. بنده در اين دو سه هفته، رفتار و گفتار دولتمردان آمريکا و دولتمردان چند کشور اروپايي را دنبال کردم؛ در اين هفته هاي نزديک به انتخابات و آن روز انتخابات و شب بعد از انتخابات، بعد هم اين دو سه روز بعد از انتخابات، يك وضع متغير و متفاوتي داشت. اول، قبل از شروع انتخابات جهتگيري رسانه هايشان، دولتمردانشان، اين بود که در اصل انتخابات، ايجاد ترديد کنند، شايد شرکت مردم کم بشود. البته همين نتايجي که از اين انتخابات حاصل شد، همين نتايج را آنها هم- هم اروپايي ها، هم آمريکايي ها- حدس ميزدند؛ اما اين حرکت عظيم مردم را انتظار نداشتند؛ اين کار 58 درصدي؛ چهل ميليوني را باور نمي کردند. بعد از آنکه اين حضور عظيم ديده شد، اينها شوکه شدند؛ فهميدند چه اتفاق بزرگي در ايران افتاد؛ فهميدند که بايد خودشان را با اين شرايط جديد وفق بدهند؛ هم در امور بين الملل، هم در امور خاورميانه و جهان اسلام، هم در مسئله هسته اي. در مسائل ايران شوکه شدند؛ فهميدند که سرفصل جديدي در مسائل مربوط به جمهوري اسلامي پيدا شد، که مجبورند اين را بپذيرند. اين مال هنگامي بود که اين حرکت عظيم مردم ديده شد و از اينجا مرتب به وسيله ايادي خودشان مخابره شد و همه شان اظهار تعجب کردند؛ از همان صبح جمعه اين اظهارات شروع شد، آنجا هم برخي از بازخوردهاي اين اظهارات ديده شد. وقتي اعتراض بعضي از نامزدها راديدند، ناگهان احساس کردند فرصتي بر ايشان پيش آمد.

این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابانها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و روسای دولتهای چند تا کشور اروپائی و آمریکا حرفهایی زدند که باطن آنها را به انسان نشان میداد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرفها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟ در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد؛ خط تخریب، خط آتش سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تناول اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست نشاندها سرویسهای جاسوسی غربی و صهیونیست است. این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سرزد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است (!) يك سرمایه دار صهیونیست آمریکائی چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمقها خیال کردند جمهوری اسلامی ایران و این ملت هم مثل آنجاست. ایران را با کجا مقایسه می کنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را نشناختند. آن چیزی که در این بین از همه بدتر و زشت تر به چشم من آمد، این حرفهایی بود که به عنوان دلسوزی از حقوق بشر و سختگیری به مردم، از زبان این دولتمردان آمریکائی صادر شد که: ما از اینکه با مردم چنین رفتار بشود، مخالفیم؛ ما نگرانیم! شما نگران مردمید؟! شما چیزی به نام حقوق انسان را اصلاً قبول دارید؟! افغانستان را کی به خاک و خون کشید و هنوز هم دارد میکشد؟ عراق را کی زیر چکمه نظامیان خودش تحقیر کرد؟ در فلسطین چه کسی به دولت صهیونیست ظالم این همه کمک سیاسی و مادی کرد؟ در خود آمریکا- انسان واقعاً تعجب می کند- در زمان دولت همین حزب دمکرات، در زمان ریاست جمهوری شوهر همین بانویی که حالا اظهار نظر میکند، هشتاد و چند نفر از وابستگان فرقه داوودی را زنده زنده در آتش سوزاندند. این که دیگر جای انکار نیست. همین حضرات، همین دمکراتها این کار را کردند. فرقه داوودی ها به قول خودشان دیویدی ها- به دلیلی مورد غضب دولت آمریکا قرار گرفتند و به منزلی رفتند و در آنجا متحصن شدند. هر چه کردند، بیرون نیامدند. اینها خانه را آتش زدند و هشتاد تا مرد، زن، بچه تو این خانه، زنده زنده سوختند. شما حقوق بشر میفهمید یعنی چه؟! به نظر من این مسئولان و سیاستمداران اروپائی و آمریکائی قدری بایستی شرم و حیا را هم برای خودشان وظیفه بدانند. جمهوری اسلامی، پرچم دار حقوق انسان است. دفاع ما از مردم مظلوم در فلسطین، در لبنان، در عراق، در افغانستان، در هر نقطه ای که مردم مظلوم واقع شدند، نشانه همین است. نشانه این است که پرچم حقوق بشر به وسیله اعتقاد به اسلام، ایمان به اسلام در این کشور برافراشته شده است. ما احتیاج نداریم که برای حقوق بشر کسی ما را نصیحت کند. خب، این عرایض ما بود درباره انتخابات. يك خطاب آخري هم عرض کنم به مولامان و صاحبان، حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه): ای سید ما! ای مولای ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام میدهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابل دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؟ همه اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سید ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی، صاحب این انقلاب تویی، پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما. بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا. فسبح بحمد ربك و استغفره انه كان توابا. و السلام علیکم و رحمہ الله و برکاته. فتح: 4 رعد: 28

جمعه: 9 عصر: 3-1 آل عمران: 811 انتهای پیام/

